

## نقش روابط متقابل عربستان و هند در تقویت مولفه های قدرت دو کشور

غلامرضا بدری منش<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد علوم سیاسی

نویسنده مسئول:

غلامرضا بدری منش

### چکیده

عربستان سعودی با دارا بودن قدرت سیاسی و اقتصادی برجسته در میان کشورهای عربی غرب آسیا، همواره به دنبال نقش آفرینی بعنوان قدرت برتر منطقه ای بوده است. یکی از سیاستهای اصلی این کشور برای تثبیت موقعیت منطقه ای خود تحکیم روابط استراتژیک سیاسی و اقتصادی با قدرتهای بزرگ از جمله هند می باشد. هند از جهات مختلف می تواند عربستان را در راستای ایفای نقش یک آفریننده نظم منطقه ای کمک رساند. تعامل و کنش متقابل دو کشور عربستان و هند در غرب و جنوب آسیا تحت تأثیر متغیرهای مختلفی چون ظرفیت اقتصادی مکمل، منافع مشترک استراتژیک، گروههای قومی و مذهبی همسو و گرایش سیاسی موازی در سطح منطقه ای و فرا منطقه ای است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به مطالعه پیشینه و چشم انداز آینده روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور پرداخته است. شیوه گردآوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز کتابخانه ای و اسنادی است. چارچوب نظری پژوهش تلفیقی از دو رویکرد ساختار و کارگزار و وابستگی متقابل اقتصادی می باشد. با این رویکرد این پژوهش به تحلیل کنش مسئولان سیاسی هند و عربستان و بررسی اجزاء ساختار داخلی و موقعیت منطقه ای دو کشور در تقویت روابط متقابل می پردازد. نتایج پژوهش نشان می دهد سیاستمداران دو کشور با گسترش و تحکیم روابط متقابل به دنبال تقویت مولفه های نقش آفرینی خویش در حوزه منطقه ای و تضعیف الگوهای رقیب می باشند.

**کلمات کلیدی:** عربستان، هند، روابط متقابل، قدرت منطقه ای، وابستگی متقابل، الزامات ساختاری.

## مقدمه

منطقه غرب آسیا از گذشته های دور تا کنون، بدلیل دارا بودن مولفه های ویژه و مختلف ژئوپولیتیک، اقتصادی و فرهنگی عرصه ورود بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای و مورد توجه خاص آنان بوده است. تا آنجا که قدرتهای جهانی و به موازات آن هر کشوری که سودای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ جهانی را دارد نسبت به تحولات آن حساس بوده و خواهان تاثیر گذاری بر آن در جهت تامین منافع خویش است. نقش برخی از کشورهای بزرگ این منطقه در تعیین الگوی نظم آن، بدلیل برتری های جغرافیایی، جمعیتی و فرهنگی با اهمیت تر است و حائز تاثیر برجسته تر در تحولات آن می باشد. قدرت های فرا منطقه ای نیز این نکته را دریافته اند که در راستای نفوذ و اعمال سیاست های خود از مجاری این کشورهای برجسته منطقه با هزینه کمتری به مقاصد خود دست خواهند یافت.

عربستان و ایران از جمله قدرت های غرب آسیا هستند که دارای ویژگیهای مذکور می باشند. " این دو کشور همواره در رقابت برای افزایش نقش و نفوذ خود در غرب آسیا، به ویژه حوزه خلیج فارس بوده اند. این رقابت منطقه ای که تا پیش از انقلاب اسلامی ایران بیشتر ژئوپلیتیکی و معطوف به حوزه خلیج فارس بود، پس از انقلاب با اضافه شدن مولفه ایدئولوژیک، شدت بیشتری به خود گرفته و علاوه بر خلیج فارس، کل غرب آسیا را دربر گرفته است" (نورعلیوندی، ۱۳۹۶: ۲). در این باره گریگوری گاس سوم (F. Gregory Gause III) کارشناس مسائل عربستان معتقد است، بهترین چارچوب برای فهم سیاست منطقه خاورمیانه، جنگ سرد بین ایران و عربستان است که هر دوی به عنوان رهبر، نقش بازی می کنند؛ به گونه ای که دو کشور با هم رویارویی نظامی ندارند، اما بر سر نفوذ در ساختار سیاسی دولت های ضعیف با هم در تضاد هستند (همیانی، م، ۱۳۹۴: ۱۵).

مجموعه ای از تحولات سرنوشت ساز در غرب آسیا از جمله جنگ عراق (۲۰۰۳)، جنگ حزب الله و اسرائیل (۲۰۰۶)، انقلابهای عربی و جنگ داخلی سوریه (۲۰۱۱)، ظهور داعش (۲۰۱۴) و جنگ یمن (۲۰۱۵) شکست و افول داعش (۲۰۱۷) منجر به تغییر توازن قدرت منطقه ای به ضرر عربستان شده است. روند این وقایع ساختار الگوی نظم منطقه ای را دگرگون کرده است به گونه ای که مسئولین پادشاهی سعودی برای بازگشت به یک نظم مطلوب منطقه ای خویش، خط مشی جدیدی در سیاست خارجی خود برگزیده اند.

پیش از این تغییرات ساختاری در منطقه، سیاست خارجی عربستان، سیاستی محافظه کارانه و تابع قدرت های بین المللی خصوصا آمریکا بود اما اکنون در تلاش است با ایفای نقشی فعالتر و اتخاذ سیاستی تهاجمی تحولات منطقه را مدیریت کند. یکی از ابعاد اصلی این خط مشی جدید تقویت روابط با کشورهای منطقه و قدرت های فرامنطقه ای همسو بمنظور استحکام امنیت داخلی و تامین منافع بلند مدت اقتصادی است.

در یک نگاه کلی محورهای کلان سیاست خارجی جدید عربستان را در پنج عنوان می توان طبقه بندی نمود. که عبارتند از: برتری جویی پیرامونی، موازنه سازی منطقه ای، مرکزگرایی اسلامی- وهایی، ائتلاف سازی بین المللی و دموکراسی ستیزی (اسدی، ۱۳۹۶: ۳). یکی از برنامه های مهم عربستان برای تقویت امنیت منطقه ای خود، سیاست ائتلاف سازی بین المللی و گسترش روابط خود با قدرت های جهانی است. نظام سیاسی عربستان بدلیل اینکه یک نظام سلطنتی، قبیله ای و غیر دموکراتیک است و پایه های ثبات و امنیت آن متکی به مردم و نیروهای داخلی نیست، همواره در جستجوی منابع امنیتی خارجی برای تدوام ثبات سیاسی خود بوده است. از اینرو ائتلاف پادشاهان سعودی با بریتانیا و سپس آمریکا از زمان ملک عبدالعزیز تا کنون به عنوان ضامن مهمی برای امنیت ملی کشور پی گیری شده است. در سالهای اخیر نیز، ریاض تحکیم پیوندهای استراتژیک با آمریکا در قالب توافقات متعدد اقتصادی و امنیتی را مد نظر دارد.

در کنار تمرکز مسئولان سیاسی عربستان بر حفظ، تقویت و بازسازی روابط با آمریکا، گسترش روابط با قدرتهای بزرگ دیگر همچون چین و هند در سر فصل های سیاستهای کلان آنها قرار دارد. برای ریاض تقویت روابط اقتصادی، امنیتی و اتصالات استراتژیک با قدرت های متعدد جهانی برای تضمین امنیت ملی خود در سطوح مختلف واجد اهمیت است (همان: ۴). چنین سیاستی در صورت اجرایی شدن موجب تنوع در شرکا امنیتی و استراتژیک عربستان می شود واز این طریق می تواند پایداری نظام سیاسی و نفوذ منطقه ای خود را تضمین نموده و موجب تضعیف نفوذ رقبای منطقه ای در غرب آسیا و کاهش روابط قدرت های جهانی مذکور با این قدرت های منطقه ای رقیب شود. تعامل و کنش متقابل دو کشور عربستان و هند در غرب و جنوب آسیا تحت تاثیر متغیرهای مختلفی چون ظرفیت اقتصادی مکمل، منافع مشترک استراتژیک، گروههای قومی و مذهبی همسو و گرایش سیاسی موازی از جهات مختلف می تواند عربستان را در راستای ایجاد نظم منطقه ای مطلوب خود در غرب آسیا کمک رساند.

**چارچوب نظری پژوهش**

در این پژوهش مبانی نظری دو رویکرد ساختار و کارگزار<sup>۱</sup> و وابستگی متقابل<sup>۲</sup> بکار رفته است. رویکرد ساختار و کارگزار روشی مناسب پیچیدگی های مباحث علمی در تحقیقات علوم سیاسی و روابط میان واحدهای سیاسی است. واژه کارگزار در این روش که معمولا تطابق نسبی محتوایی با رویکرد فردگرایی<sup>۳</sup> دارد بر پایه این اصل بنا نهاده شده است که تنها واقعیتی که ما می توانیم درک کنیم و از محیط پیرامونی خود دریافت نماییم واقعیتی است که بوسیله افراد بوجود می آید و طبقات و گروهها و اجتماعات انسانی توانایی خلق واقعیهایی مستقل از افراد را ندارند (Aston, B, 2003: 2).

واژه ساختار در این روش قصد دار این نکته را مورد تاکید قرار دهد که رفتار افراد در خلا تحقق پیدا نمی کند و تمامی تصمیمات و اعمال انسانی در زمینه خاص اجتماعی فرهنگی و سیاسی ظهور و بروز پیدامیکنند با این توضیح ساختار گراها این ادعا را که واقعیت نهایی اجتماعی را بازیگران انسانی بوجود می آورند مورد تردید قرار می دهد رویکردهای ساختار محور همچنان تاکید می کنند بدلیل اینکه شرایط و اقتضات داخلی و خارجی در فرآیند زمان و مکان تغییر میکنند افراد نمی توانند بازیگران مستقلی از ساختارها باشند و همواره خود آگاه یا نا خودآگاه تحت تاثیر عوامل مختلفی که ساختارها بر آنها وارد می کند قرار دارند (همان: ۳).

اما اکثریت نظریه پردازان دوران معاصر بر نقش همزمان کارگزار و ساختار معتقدند و هیچکدام را به تنهایی عامل مطلق رفتار انسانی تلقی نمی کنند. یکی از مهمترین نظریه پردازان روش ساختار و کارگزار گیدنز است او در تفسیر ریشه های وقایع اجتماعی معتقد است که دوگانگی و ارتباط دو جانبه مستحکمی بین ساختارها و افراد وجود دارد و این دو وابستگی متقابل فراوانی به هم دارند و برای تفسیر و تجزیه و تحلیل رفتارها بایستی به ارتباط متقابل فرد و ساختار نیز توجه کنیم. (همان: ۵) در علوم سیاسی و بطور خاص در این پژوهش بایستی در بررسی تصمیمات عربستان و رهبران سیاسی آن برای تقویت روابط متقابل با هند، همزمان هم به نقش کنش فعال مسولان سیاسی توجه کنیم و هم به اجزاء مختلف ساختار کشور و منطقه غرب آسیا و سایر اقتضات مکانی و زمانی از جمله ویژگی های ژئوپلتیکی، خصوصیات فرهنگی مذهبی، ظرفیت و نیازمندیهای اقتصادی را برای این روابط مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

نظریه ای دیگر که در این پژوهش از مبانی آن استفاده شده است نظریه وابستگی متقابل در عرصه بین المللی است. نئولیبرال ها در عرصه روابط بین الملل نظریات خاصی را ارائه کرده اند که مهمترین ویژگی آن تغییر قدرت و ماهیت آن از قدرت نظامی به قدرت اقتصادی است. دو نظریه پرداز مشهور نئولیبرال در عرصه بین المللی رابرت کوهن و جوزف نای هستند که نظریه وابستگی متقابل را در روابط بین الملل ارائه نموده اند آنها معتقدند که در نظام جدید بین الملل که ارتباط بین کشورها بسیار نزدیک و چند جانبه است دولت ها بصورت غیر قابل اجتناب به همدیگر مرتبط هستند و خوشبختی، پیشرفت و توسعه آنها نیز ناگزیر با هم ارتباط ناگسستنی و بسیار نزدیک دارد کوهن ونای با نقد نظریه واقع گرایی سیاسی چارچوب نظری وابستگی پیچیده را شکل داده اند و یکی از مهمترین جنبه های این وابستگی متقابل نیاز مندیهایی اقتصادی دولتهای ملی با یکدیگر است (Nye, J., Keohane, R., 1977: 3).

نای و کوهن اعتقاد راسخ به این مطلب دارند که یک انتقال اساسی در روابط بین الملل به سمت وابستگی متقابل پیچیده در دنیای مدرن صورت گرفته است و این وابستگی متقابل و اتصال بین کشورها روز به روز در حال افزایش است. گرچه قدرت نظامی تسلیحات برتر هسته ای اهمیت خود را حفظ کرده است اما نقش آن در روابط بین دولتها بصورت ظاهری بسیار کم شده است. نای و کوهن در تشریح نظریه هبستگی پیچیده بر اختلاف بین وابستگی متقابل و وابستگی یک طرفه تاکید می کنند و نقش قدرت را نیز بر اساس اختلاف این دو مفهوم در روابط سیاست بین المللی و بازیگران اصلی عرصه بین المللی بصورت متفاوتی از گذشته تجزیه و تحلیل می کند و قدرت را دارای جنبه های مختلف اقتصادی، فرهنگی و نظامی می دانند (همان: ۵).

<sup>1</sup> Structure and Agency

<sup>2</sup> Interdependence

<sup>3</sup> Individualism

**الزامات ساختاری کشورهای عربستان و هند در تقویت روابط متقابل**

ارتباط دو کشور عربستان سعودی و هند از گذشته بدلیل نزدیکی دو منطقه جنوب و غرب آسیا و حضور دو کشور بعنوان قدرت های تاثیر گذار این مناطق در زمره مهمترین اولویت های سیاست خارجی مسئولین دو کشور بوده است. پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد ، هند با گرایش به اقتصاد بازار آزاد و کنار گذاشتن مبانی اقتصادی سوسیالیستی ، به تقویت روابط خود با آمریکا و کشورهای متحد آن در منطقه خلیج فارس پرداخت. از منظر مسئولین هندی الزامات اقتصادی هند جهت رشد و توسعه ایجاب می نمود که در درون نظم بین المللی وهنجرهای رایج اقتصاد جهانی حرکت نماید (Mohan, C.R, 2006: 4) . هند هم اکنون در زمره قدرت های اقتصادی نوظهور جهانی است که جهت تضمین اولویت ها و منافع اقتصادی و تامین منابع امن انرژی ناگزیر به ارتباط نزدیکتر با کشورهای حوزه خلیج فارس و عربستان بعنوان یکی از مهمترین کشورهای این منطقه است. محور های عمده روابط هند با عربستان تمامی ابعاد اقتصادی ، سیاسی، فرهنگی و امنیتی را در بر می گیرد. وبا توجه به ماهیت سکولار نظام سیاسی هند ، مولفه های مذهبی و فرقه ای در ملاحظات مسئولین دوکشور تاثیر کمی داشته است( نیاکوئی، س و بهرامی مقدم، س، ۱۳۹۳: ۸). از سوی دیگر عربستان با تنوعی بیشتر در اهداف اقتصادی، منطقه ای و استراتژیک مترصد ارتباط با هندوستان است. واز نظر مذهبی وایدئولوژیک نیز انگیزه ای بالایی برای ایفای نقش در جایگاه رهبری جهان اسلام دارد و این رویای بزرگ، ضرورت حفظ ارتباط وانسجام با کشورهایی که از نظر اقتصادی وجغرافیایی در منطقه و جهان برتری دارند را افزون می سازد.با توجه به مولفه های ذکر شده عربستان در بازبینی و اصلاح اهداف بلند مدت در ابعاد گوناگون جایگاه ویژه ای در تقویت ارتباط متقابل با هند تعریف نموده است.

ویژگی های مختلف فرهنگی، اقتصادی وامنیتی که ضرورت تقویت روابط دو جانبه هند و عربستان را آشکار می سازد عبارتند از: الف ) نیازمندیهای دو کشور برای توسعه اقتصادی، بکارگیری ظرفیت های انسانی ، طبیعی متقابل موجب برطرف نمودن خلاء ها وموانع توسعه خواهد شد(Alam, I and Ahmad, S, 2015:1). هند، قطب سرمایه گذاری عربستان در آسیا خوانده می شود وعربستان از مهمترین اهداف مسئولان اقتصادی هند برای جذب سرمایه خارجی است.از طرف دیگر اقتصاد هند یکی از بزرگترین اقتصادهای جهان با میانگین رشد بالای ۶ درصد در سالهای اخیر و بدلیل کمبود منابع زیر زمینی انرژی از بزرگترین وارد کنندگان نفت است. کمبود نیروی انسانی در عربستان یکی از نیازهای عربستان به نیروی کار و خصوصا نیروی متخصص است و صدور نیروی کار هند به عربستان این کمبود را جبران خواهد کرد(Mohan, C.R, 2006:2,3).

ب) جایگاه ژئوپلیتیک دو کشور با توجه به بحران هایی شبیه جنگ و اقدامات تروریستی که همواره منطقه غرب و جنوب آسیا در گیر آن بوده است(Gupta, K, 2014:9). عربستان با داشتن سواحل گسترده خلیج فارس و دریای سرخ ، تسلط نسبی بریکی از شاهراههای اصلی انرژی جهان را دارد. هند نیز از یک طرف با دارا بودن مرز گسترده با اقیانوس هند که مسیر اصلی حمل ونقل منابع انرژی و صدور کالاها برای اقتصاد چین و کشورهای منطقه شرق آسیا است و همسایگی با چین و از سوی دیگر بعنوان بزرگترین کشور جنوب آسیا از نظر جمعیتی و جغرافیایی ، حائزموقعیت ویژه ای است. لذا با توجه به این واقعیات ژئوپلیتیکی دو کشور بیش از پیش به ضرورت تعامل دو جانبه تاکید دارند.

ج) نقش روابط دو کشور برهمسایگان آنها و کشورهای منطقه (Alam, I and Ahmad, S, 2015:1) از ابعاد گوناگونی قابل بررسی است. هند با همسایه غربی خود پاکستان در خصوص منطقه کشمیر درگیر منازعه طولانی مدت است و عربستان نیز بدلیل همگرایی با مسلمانان وعلما و سیاسیون پاکستان نفوذ قابل توجهی بر آنان دارد. هند با همسایه شمالی خود، چین نیز هم از نظر رقابت اقتصادی وهم منازعات مرزی دارای چالش های متعددی است و از سوی دیگر عربستان یکی از تامین کنندگان اصلی منابع نفت صنایع بزرگ چین است.

د) از منظر روابط فرهنگی این نکته حائز اهمیت است که بزرگترین اقلیت دینی هند مسلمانان با جمعیت بیش از ۱۵۰ میلیون نفر هستند و موضوع گرایش آنها به عربستان و سفرهای زیارتی حج عمره و حج تمتع همواره درسیاستگذاری مسئولین هندی مورد توجه بوده است. سالانه ۳۰۰،۰۰۰ نفر از مسلمانان هند در قالب حج عمره و بالغ بر ۱۵۰،۰۰۰ نفر در قالب حج تمتع به عربستان سفر می کنند. (همان:۲). همانطور که اشاره شد مهاجران هندی که یکی از تامین کنندگان اصلی نیروی کار عربستان هستند تاثیرات اجتماعی وفرهنگی قابل ملاحظه ای در جامعه عربستان داشته اند.

**ظرفیت های اقتصادی روابط متقابل**

عربستان و هند اقتصادهای مکمل دارند و می توانند ظرفیت های خود را برای توسعه دو کشور به کار برند. در واقع ساختار اقتصادی و منابع انسانی و طبیعی دو کشور به صورتی است که این دو کشور در زمینه اقتصادی و بخصوص تجارت خارجی رقیب یکدیگر نیستند و در جستجوی حذف دیگری در عرصه تجارت بین المللی و منطقه ای نبوده اند و حتی در نقطه مقابل آن، تقویت یک طرف استفاده مناسب از مزایای بالقوه روابط اقتصادی دو جانبه موجب تقویت کشور دیگر و سرعت بخشیدن به رشد و توسعه اقتصادی آن خواهد شد.

در طول سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ عربستان یکی از چهار شریک تجاری هند بوده است. این روند گسترش همکاریها پس از بیانیه دهلی در سال ۲۰۰۶ به طور پیوسته وجود داشته و همواره عربستان یکی از شرکای اصلی اقتصادی هند بوده است (Alam, I and Ahmad, S, 2015:3). یکی از مهمترین نیازمندیهای هند واردات نفت بعنوان مهمترین منبع انرژی برای پیشرفت و توسعه اقتصادی است از یک طرف هدف گذاری هند در تغییر اولویت های سیاسی و اقتصادی و فاصله گرفتن عملی از جنبش عدم تعهد و سیاست استعمار ستیزی باعث گرایش به آمریکا و متحدان منطقه ای آن شده است و با اتکاء به این خط مشی روابط سیاسی خود را با این کشورها گسترش داده است (Mohan, C.R, 2006:3). و از طرف دیگر همچنان که اشاره شد تمسک هند به اقتصاد باز، میزان بالای جمعیت و گسترده بودن وسعت کشور و لزوم دسترسی و ارتباط سریع بین مراکز صنعتی و تجاری همگی مویذ نیاز بیشتر هند به منابع انرژی است و بدلیل فقر منابع زیر زمینی همواره به عربستان به عنوان یک ستون اصلی برای امنیت تامین انرژی خود می نگرد.

در برنامه های توسعه اقتصادی هند در دو دهه گذشته متوسط رشد اقتصادی بین ۷ تا ۱۰ درصد در نظر گرفته شده است بعنوان نمونه در برنامه دوازدهم توسعه اقتصادی هند (۲۰۱۷-۲۰۱۲)، رشد ۹ درصد برای اقتصاد هند پیش بینی شده است که البته با توجه به رکود اقتصاد جهانی و فضای عدم اطمینان حاکم بر آن، رسیدن به چنین هدفگذاری سخت به نظر می رسد و در چند سال گذشته نیز حدود ۷ درصد آن محقق شده است. اما به هر حال چوب و زمینه دسترسی هر چه بیشتر به مقاصد این برنامه ریزی نیازمند فراهم نمودن زیر ساخت هایی همچون تامین انرژی مورد نیاز صنایع می باشد. هند دارای یکی از اقتصادهای بزرگ با بالاترین سرعت رشد اقتصادی در دهه گذشته بوده است. در پنج سال اخیر متوسط رشد اقتصادی هند ۶ درصد بوده است (Singh, R, 2013, 88). به همراه با این رشد فزاینده، یک تقاضای در حال افزایش برای انرژی نیز برای این کشور وجود دارد. هند در حال حاضر در فهرست ۵ کشوری است که بیشترین مصرف کننده نفت در جهان هستند. (همان، ۷۵) گر چه همانگونه که در جدول زیر ذکر شده است. میزان روابط تجاری دو کشور پس از رشد قابل ملاحظه در دهه گذشته، در سه سال اخیر بدلیل کاهش قیمت نفت و رشد تروریستهای تکفیری در منطقه غرب آسیا افت مشهودی داشته اما مسئولین سیاسی دو کشور در دیدارها و توافقات منعقد شده متقابل بر ادامه رشد و گسترش همکاریهای اقتصادی تاکید کرده اند.

## تجارت متقابل هند و عربستان سعودی (ارقام به میلیون دلار)

سال	واردات از عربستان	صادرات به عربستان	مجموع ارزش روابط تجاری	درصد افزایش در روابط دوجانبه	درصد رشد واردات هند از عربستان سعودی	درصد رشد صادرات هند به عربستان سعودی
2010-2011	20,385.28	4,684.40	25,069.68	19.35	19.23	19.90
2011-2012	31,817.70	5,683.29	37,500.99	45.59	56.08	21.32
2012-2013	33,998.11	9,785.84	43,783.95	16.75	6.85	72.18
2013-2014	36,403.65	12,218.96	48,622.61	11.05	7.08	24.86
2014-2015	28,107.56	11,161.43	39,268.99	-19.24	-22.79	-8.65
2015-2016	20,321.33	6,394.23	26,715.56	-31.97	-27.70	-42.71
2016-2017	19,945.17	5,134.13	۲۵,۰۸۲.۶۸	-6.12	-1.85	-19.70
۲۰۱۷-۲۰۱۸	۲۲,۰۶۹.۹۶	۵,۴۱۰.۷۰	۲۷,۴۸۰.۶۶	۹.۵۶	۱۰.۵۰	۵.۸۸

Source: Department of Commerce, GOI. ([www.dgft.gov.in](http://www.dgft.gov.in))

مساله مهاجران هندی که جذب بازار کار عربستان شده اند نیز یکی از محورهای عمده تاثیر گذار بر روابط دو کشور است. اهميت اين مساله از آنجا بيشتر مشخص مي گردد که با بررسی آمارها، در صد بالای نیروی کار مهاجر هند به عربستان را (با  $\frac{1}{4}$  کل مهاجران هندی) شاهد هستیم (Kapiszewski, A, 2006: 2). مهاجران هندی با  $\frac{5}{2}$  میلیون جمعیت در عربستان به عنوان بزرگترین جمعیت مهاجران خارجی در این کشور هستند (همان: ۴). عربستان بدلیل سرعت بخشیدن به فرآیند توسعه صنایع بویژه فناوری مرتبط با نفت و گاز و کاهش فشار بر روی نیروی کار بومی، سیاست های حمایتی جهت تسهیل ورود مهاجران به بازار کار داخلی را پیگیری می کند. عربستان همچون سایر کشورهای عرب نفت خیز خلیج فارس بدلیل کمبود جمعیت پاسخگوی حجم بالای نیازمندیهای نیروی انسانی مرتبط با این صنایع نیست. این مهاجران همانگونه که نقش موثری در توسعه عربستان ایفا می کنند، با ارسال درآمدهای خود به کشور مبدأ، موجبات توسعه منطقه ای در مناطق کمتر توسعه یافته هند می شوند (همان: ۳۰).

## جایگاه هند و عربستان در استراتژی منطقه ای متقابل

حساسیت و اهمیت استراتژیک خطوط دریایی که مسیرهای عبور منابع انرژی نفت و گاز هستند همواره مورد توجه تحلیلگران سیاسی قرار دارد. از آنجا که دسترسی خلیج فارس به دریاهای آزاد از طریق اقیانوس هند صورت می پذیرد، امنیت و توسعه اقتصادی این دو منطقه وابستگی متقابلی به هم دارد. از این منظر عربستان و هند بعنوان دو کشور بزرگ در این مناطق تاثیر عمده ای در تحولات و تصمیم گیری های حیاتی و عمده آنها دارند (Mousavi Jashni, S, 2014 : 1). جنوب آسیا در واقع محل گذار اصلی منابع انرژی و همچنین محصولات صنعتی اقتصادهای بزرگی چون چین و ژاپن و کره جنوبی و مالزی است که هدف بخش بزرگی از این کالاها بازارهای کشورهای خلیج فارس است که عربستان سعودی یکی از مهمترین کشورهای این حوزه بوده و داعیه رهبری این منطقه را نیز دارد.

از دیدگاه استراتژیک، هند به روابط خود با عربستان بعنوان مولفه ای برای کنترل تهدیدات پاکستان می نگرد. پاکستان بدلیل همسایگی با هندوستان و اتحاد با این کشور قبل از استقلال از انگلیس، مشترکات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فراوانی با آن دارد و از طرفی نیز بدلیل منازعه کشمیر و اختلافات مذهبی تنش های بزرگی از تهدید و جنگ نظامی عایه یکدیگر تجربه کرده اند. در این میان پاکستان، عربستان سعودی را به عنوان یک شریک استراتژیک می شناسد و دلیل آن حمایت همه جانبه عربستان از

پاکستان در جنگ های سال ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ علیه هندوستان است (Sial, S, 2015: 1). همچنین پاکستان بدلیل نزدیکی سیاستهایش با چین و عربستان همواره نقش مهمی در سیاست خارجی هند ایفا نموده است. این عوامل نگرانی های هند را افزایش داده و انگیزه های سران هند را برای بازسازی روابط با عربستان بمنظور محدود کردن نفوذ پاکستان در کشورهای منطقه و همچنین مقابله با گروههای تروریست حاضر در پاکستان، برمی انگیزد. عربستان نیز در سالهای اخیر کوشیده است نقش میانجیگری در کاهش منازعات هند و پاکستان و بهبود روابط دو کشور ایفا نماید. بدلیل اینکه چین و پاکستان در میان دیگر کشورهای منطقه روابط نزدیکتری با عربستان داشته و همواره در جهت توسعه و تعمیق این روابط کوشیده اند و هر دو کشور نیز از مهمترین رقبای اقتصادی، سیاسی و امنیتی هند می باشند. با در نظر گرفتن چنین ملاحظاتی اهمیت روابط عربستان و هند فراتر از ضرورتهای اقتصادی بوده و از جنبه امنیتی و تامین منافع بلند مدت حیاتی کشور قابل بررسی می باشد (Gupta, K, 2014: 9).

پایان جنگ سرد و گرایش هند به اقتصاد آزاد موجب پیوستگی و ارتباط اقتصادی نزدیک هند با عربستان شد. برای هند امنیت منابع انرژی جهت توسعه اقتصادی یکی از کلیدی ترین عوامل همکاری امنیتی با کشورهای منطقه خلیج فارس بود. از منظر مسئولین سیاسی هند بدلیل منازعه با پاکستان و حضور نیروهای تروریستی طالبان در مرزهای غربی هند، تامین انرژی از طریق خطوط نفت و گاز دارای ریسک و هزینه بالاتری است و خطوط دریایی و سواحل هند مسیری آزاد و با امنیتی بیشتر برای انتقال انرژی هستند. عربستان و سایر کشورهای منطقه خلیج فارس نیز به ظرفیت بالقوه اقتصادی هند و قابلیت های نظامی آن در حفظ و تداوم امنیت منطقه واقف بودند و این عوامل مولفه هایی مستحکم جهت افزایش روابط امنیتی بین دو طرف بود. از منظر عربستان، تغییرات ژئوپولیتیک و بحران های سیاسی، امنیتی در غرب آسیا و ضرورت تنوع بخشیدن به شرکاء امنیتی، روابط امنیتی با هند را در کانون توجه قرار می دهد. بویژه اینکه همزمان گسترش روابط ایران با هند به عنوان رقیب سیاسی امنیتی عربستان در منطقه از جهات متعدد بر حساسیت این همکاریها می افزاید. پس از اشغال عراق توسط آمریکا، انسجام آشکاری بین نیروهای شیعه پیرامون عربستان یعنی در کشورهای عراق، بحرین، لبنان صورت گرفت و این عامل باعث تقویت موضع ایران بعنوان کانون اصلی تاثیر گذاری بر شیعیان منطقه گردید. عربستان در جهت ایجاد تعادل در مقابل توسعه روز افزون قدرت منطقه ای ایران در چارچوب امنیتی طراحی شده توسط آمریکا اقدام می کند (همان، ۸).

### پیشینه دیدارهای سیاسی و دیپلماتیک و توافقات متقابل

مسئولان سیاسی عربستان با آگاهی بر ابعاد گوناگون نیازمند به منافع ملی بلند مدت خود، سیاستهای کلی خود را در تقویت روابط با قدرتهای بزرگ اقتصادی نوظهور از جمله هند متمرکز نموده اند. در همین راستا دیدارهای دو جانبه متعددی بمنظور انعقاد توافقات دو طرفه تدارک دیده اند.

عبدالله بن عبدالعزیز پادشاه وقت عربستان در ۲۶ ژانویه سال ۲۰۰۶ به هند سفر نمود. این سفر در واقع آغاز یک همکاری گسترده بین دو کشور با توجه به ارزیابی نتایج آن بود. سه توافقنامه عمده جهت گسترش همکاری، حذف موانع این همکاری ها و ارتقاء سطوح آن، به امضاء مسئولان دولتی دو کشور رسید که در راس همه آنها امضاء "بیانیه دهلی" بود که در واقع این اولین باری بود که پادشاه عربستان یک اعلامیه همکاری متقابل با کشوری دیگر را امضا می نمود. این اعلامیه همانگونه که در متن آن ذکر شده بود افق های تازه ای از روابط دو کشور را برای طرفین گشود و مقدمه جهش سریع همکاری های دو کشور شد (Alam, I and Ahmad, S, 2015: 2).

پس از آن مان هومان سینگ نخست وزیر هند در فوریه سال ۲۰۱۰ به ریاض سفر کرد. و در ۲۸ فوریه این سال چندین تفاهم نامه را در زمینه امنیتی، اقتصادی، نظامی و سیاسی میان دو کشور امضا نمود و در ادامه با توافق بر روی ادامه همکاریها در بیانیه ریاض از سوی مسئولان دو کشور مصوب گردید که از این پس دو کشور با توجه به حجم گسترده روابط اقتصادی و امنیتی شرکاء استراتژیک محسوب می گردند. (همان: ۳) نارندرا مودی، نخست وزیر هند در سوم آوریل ۲۰۱۶ به هند سفری رسمی داشت و سران دو کشور توافقنامه هایی در خصوص تقویت روابط استراتژیک متقابل در زمینه های اقتصادی، امنیتی و مبارزه با تروریسم داشتند (Thehindu, 2016:3). گر چه در فاصله سفرهای سران دو کشور مسئولان عالیرتبه دو طرف برای عملی نمودن توافقات بارها سفرهای رسمی متقابل داشتند که می توان به دو سفر سلمان بن عبدالعزیز ولیعهد وقت عربستان (که از سال ۲۰۱۵ تا کنون پادشاه عربستان شده است) در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۳ به هند اشاره نمود.

## نتیجه گیری

مسئولان سیاسی عربستان به اهمیت تاثیر تقویت ارتباط متقابل با هند بر ارتقاء نقش و جایگاه عربستان در منطقه غرب آسیا توجهی ویژه دارند. چگونگی تامین قدرت ملی به مدد این روابط و بکارگیری موثر آن در عرصه خارجی، مولفه ای کلیدی در روابط متقابل عربستان و هند است. از منظر عربستان، هند به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه ای با میانگین رشد اقتصادی بالا، یکی از مقاصد اصلی بازار صادرات نفت این کشور بوده و بدلیل نزدیکی سیاستهای منطقه ای و جهانی هند با آمریکا، عربستان می تواند روابطی بلند مدت و ایمن با آن برقرار سازد. از سویی دیگر نزدیک شدن و همکاری هند با ایران بعنوان رقیب اصلی عربستان در استراتژی منطقه ای و داعیه رهبری جهان اسلام، موجب تضعیف موقعیت عربستان خواهد شد. لذا یکی از اهداف اصلی گسترش روابط با هند، رقابت با ایران و جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه است. عربستان می تواند با شکل دهی ائتلاف و یا در سطوحی پایین تر اتحاد و همکاری بین المللی با هند با عنوان موافقان حفظ نظم موجود بین المللی به موازات سیاستهای آمریکا از گسترش نفوذ ایران در منطقه جلوگیری نماید. همچنین عربستان می تواند با ایفای نقش میانجیگری به مهار منازعه پاکستان و هند کمک کند و این دو کشور را نیز در اتحاد منطقه ای در چارچوب سیاست های بین المللی ایالات متحده آمریکا هم داستان نماید. آگاهی و اشراف مسئولین عربستان از چنین نقش و تاثیر گذاری روابط دو کشور بر تقویت موقعیت استراتژیک آن است که موجب عزم هر چه بیشتر برای گسترش روز افزون همکاری های متقابل با هند گردیده است. تقویت قدرت ایران و کشورهای جبهه مقاومت پس از افول داعش، عربستان را به اتخاذ سیاست ائتلاف و اتحاد و روابط مستحکم متقابل با قدرت های بزرگ بین المللی و منطقه ای همسو، از جمله هند سوق داده است.

از طرف دیگر هند نیز نیازمند دسترسی امن به منابع انرژی است و با توجه به ماهیت جنگ و ناامنی در غرب آسیا تنوع منابع تامین کننده انرژی، تضمین کننده روند مستمر توسعه اقتصادی آن است. از منظر بین المللی نیز عربستان جزء متحدان آمریکا در منطقه غرب آسیا بوده و در بلند مدت شریک استراتژیک مناسبی برای هند علیه سیاست های بلند پروازانه اقتصادی و سیاسی چین در آسیا و بویژه محدوده اختصاصی هند، جنوب آسیا است. همچنین روابط مستحکم هند با عربستان منجر به کنترل قدرت پاکستان و ایجاد تعادل در روابط خارجی با کشورهای اسلامی و همسایگان منطقه ای می شود. وجود مسلمانان به عنوان بزرگترین اقلیت دینی در هند و بحران هایی تروریستی که در سالهای اخیر با جذب جمعیت مسلمان به اقدامات تروریستی در هند دست زده اند ضرورت همکاری امنیتی با عربستان را ملموس تر می سازد.

## منابع و مراجع

- ۱- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۶) سیاست خارجی عربستان سعودی: منابع، اهداف و مسائل. بهار ۱۳۹۶. شماره اول. سال بیستم. فصلنامه مطالعات راهبردی شماره مسلسل ۷۵.
- ۲- ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۷)، روابط هندوستان و اسرائیل: نگاهی بر جنبه های راهبردی. گزارش راهبردی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۳- جایگاه عربستان سعودی در سیاست خارجی هند در غرب آسیا، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش های سیاست خارجی. گزارش ۱۶۱، اردیبهشت ۱۳۹۵.
- ۴- نیاکوئی، سید امیر و بهرامی مقدم، سجاد (۱۳۹۳). روابط ایران و هند: فرصت ها و محدودیت ها. فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره اول. بهار ۱۳۹۳. صص ۱۲۳-۱۶۰.
- ۵- حسین پور پویان، رضا و همکاران (۱۳۹۱)، تبیین ژئوپلیتیک روابط قدرت در شبه قاره هند پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم. شماره سوم. پاییز ۱۳۹۱. صص ۱-۳۴.
- ۶- نورعلیوند، یاسر (۱۳۹۶). عربستان سعودی و تلاش برای موازنه سازی مجدد در برابر ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیستم شماره اول، بهار ۱۳۹۶، شماره مسلسل ۷۵.
- ۷- همیانی، مسعود (۱۳۹۴)، تغییر جهت در سیاست خارجی عربستان سعودی: از استراتژی موازنه تا رهبری ائتلاف. فصلنامه سیاست خارجی. سال بیست و نهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، صص ۵۳-۷۴.



- 8- Alam, I. and Ahmad,S.(2015). India-Saudi Arabia Bilateral Trade Relations: Recent Experiences and Future Opportunities. *International Journal of Economics and Empirical Research*.3(7), 327-342.
- 9- Aston, B., (2003), *What is Structure and Agency: How does this framework help us in political analysis?* Cambridge University Press.
- 10- Gupta, K. (2014). *India and Saudi Arabia: The Scope for Greater Security Cooperation*, Observer Research Foundation (ORF), ISSUE BRIEF, November 22.
- 11- Hwang, K. (2010)*Measuring Geopolitical Power in India: A Review of the National Security Index (NSI)*. GIGA Research Programme: Power, Norms and Governance in International Relations. No 136 May 2010.
- 12- Kapiszewski, A. (2006). *Arab Versus Asian Migrant Workers in the GCC Countries*. United Nations Expert Group Meeting on International Migration and Development in the Arab Region, Department of Economic and Social Affairs, United Nations Secretariat. Beirut, May 2006.
- 13- Mousavi Jashni, S. (2014). *Persian Gulf-Indian Ocean Geopolitical Intertwinement*, *Geopolitics Quarterly*, Volume: 9, No 4.
- 14- Mohan, C. R.( 2006). *India Unbound: The Social And Economic Revolution From Independence To The Global Information Age*, *Council on Foreign Relations*, New York, NY.
- 15- Mohan, C. R. (2007). *Nine ways to Look West*, *The Indian Express*, Available at: <http://www.indianexpress.com/story/20387.html>., [Accessed 1 May2016].
- 16- Mohan, C. R. (2006). *India and the balance of power*, *Foreign Affairs*,Vol,85.no,4,July August.
- 17- Nye, J., Keohane, R., (1977), *Power and Interdependence: World Politics in Transition* , Little, Brown and Company. ISBN .
- 18- Sial, S. (2015). *Emerging dynamics in Pakistani-Saudi relations*. Noref Norwegian Peacebuilding, Resource Centre.Report Octobr 2015.
- 19- Singh, R. (2013) . *Indian Economy for civil services examinations*. Mc Graw Hill Educatin India .Private Limited.
- 20- <http://www.thehindu.com/news/national/prime-minister-narendra-modi-threentation-tour-narendra-modi-in-saudi-arabia/article8429199.ece>
- 21- Vivek Raghuvanshi, "India, US Reach Agreement on Logistics, Boost Defense Ties" *Defense News* April 12, 2016.